**جلسه 55**

**سه‌‌شنبه - 28/10/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به وقت نماز عشاء بود که عرض کردیم تارة‌ در ابتداء وقت بحث می‌شود و تارة در انتهاء وقت نماز عشاء.

**ادامه بحث اول وقت نماز عشاء: غروب آفتاب اول وقت است**

راجع به ابتداء وقت نماز عشاء بحث کردیم و استظهار کردیم ابتداء وقت، غروب آفتاب است.

**اشکال اول: سقوط شفق قول مشهور قدماء است**

هر چند در اینجا هم بزرگانی مثل مفید، سید مرتضی در ناصریات، شیخ طوسی، سلار و همین‌طور ابن ابی عقیل و ابن جنید گفتند ابتداء وقت عشاء سقوط شفق هست.

جالب این است: شیخ در خلاف می‌گوید الاظهر من مذهب اصحابنا و روایاتهم ان اول وقت العشاء اذا غاب الشفق و فی اصحابنا من قال اذا غابت الشمس. می‌گوید اظهر از مذهب اصحاب ما و روایات‌شان این است که اول وقت عشاء سقوط شفق هست و فی اصحابنا من قال اذا غابت الشمس.

**عبارت شیخ در خلاف ظهور در مشهور بودن قول سقوط شفق ندارد**

که البته این نشان می‌دهد که قول به این‌که ابتداء نماز عشاء سقوط شفق بوده قول شاذ و نادر نبوده، اما این‌که قول مشهور بوده، نمی‌شود از این عبارت فهمید.

حالا بر فرض قول مشهور هم باشد، ما عرض کردیم مفاد روایات این است که از غروب آفتاب می‌شود نماز عشاء را خواند.

**اشکال دوم (شیخ طوسی): روایات غروب آفتاب ناظر به فرض عذر است**

مرحوم شیخ طوسی در تهذیب جواب داده از این روایات. گفته این روایات را حمل می‌کنیم بر فرض عذر. می‌گوییم افرادی که عذر عرفی دارند اول اذان مغرب نماز مغرب و عشاء را بخوانند بروند دنبال کارشان، ‌اما افرادی که عذر ندارند صبر کنند برای نماز عشاء ذهاب حمره مغربیه یعنی سقوط شفق بشود بعد نماز عشاء بخوانند. ایشان فرموده است که وجه این توجیه ما این است که خب در صحیحه حلبی دارد: لابأس ان تعجل العشاء فی السفر قبل ان یغیب الشفق، قید زده فی السفر، در سفر مانعی ندارد که نماز عشاء را قبل از سقوط شفق بخوانی. یا در صحیحه ابی عبیدة دارد: کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا کانت لیلة مظلمة و ریح و مطر صلی العشاء الآخرة بعد صلاة المغرب.

**پاسخ: جمع عرفی مقتضی حمل سقوط شفق بر وقت فضیلت است**

خب انصافا این فرمایش تمام نیست. چرا؟ برای این‌که صریح موثقه ابن بکیر این بود که: صلی رسول الله صلی الله علیه و آله بالناس المغرب و العشاء قبل الشفق من غیر علة و انما فعل ذلک لیتسع الوقت علی امته. منافات ندارد با این روایتی که شیخ طوسی نقل کرد: کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا کانت لیلة مظلمة. روش پیامبر این بود که بعد از سقوط شفق نماز عشاء می‌خواند مگر شب‌های بارانی ولی گاهی بدون علت قبل از سقوط شفق نماز عشاء را می‌خواند و لو حداقل یک بار تا به مردم نشان بدهد که وقت، موسع است، لیتسع الوقت علی امته. جمع عرفیش اقتضاء می‌کند حمل بر افضلیت بکنیم. این‌که گفتند بعد از سقوط شفق نماز عشاء بخواند که عمدتا صحیحه حلبی هست که در صحیحه حلبی این تعبیر آمده که گفته که متی تجب العتمة قال اذا غاب الشفق، خب وجوب را ما حمل می‌کنیم بر تاکد استحباب. متی یجب العشاء قال اذا غاب الشفق یعنی مستحب موکد است که نماز عشاء را بعد از سقوط شفق بخوانیم. وجوب که نص در وجوب اصطلاحی نیست. غسل الجمعة واجب‌ أی ثابت. بله، ظهور وجوب در وجوب مصطلح است اما نص نیست قابل حمل بر استحباب یا تاکد استحباب است.

**ادامه بحث آخر وقت نماز عشاء**

**توضیح قول دوم: یک سوم شب نظر شیخ طوسی است نه مشهور**

اما راجع به انتهاء‌ وقت عشاء هم شیخ مفید در مقنعه می‌گوید یک سوم شب که تمام بشود وقت عشاء تمام شده. شیخ در خلاف چی می‌گوید؟ الاظهر من مذاهب اصحابنا و من روایاتهم ان آخر وقت العشاء اذا ذهب ثلث اللیل وقد رُوی نصف اللیل. کانه اظهر از مذاهب اصحاب این است که آخر وقت عشاء ثلث شب است، یک روایتی هم داریم که نصف شب.

به نظر ما الاظهر من مذهب اصحابنا نه این‌که مذهب ظاهر و مشهور این است. نه. المذهب لی، یعنی از آراء اصحاب این رأی برای من اظهر است.

[سؤال: ... جواب:] اظهر من مذاهب اصحابنا و من روایاتهم ان آخر وقت العشاء اذا ذهب ثلث اللیل، یعنی ظاهر برای من از میان فتاوای اصحاب و روایات اصحاب این قول است. معنایش این نیست که الاظهر من مذاهب اصحاب یعنی مذهب اظهر و اشهر این است. ... بله این تعبیر و قد روی نصف اللیل یک مقدار کم‌لطفی هست، کانه یک روایت شاذی هم داریم، اما بالاخره نشان نمی‌دهد که مذهب اشهر و اظهر اصحاب این است. نه. می‌گوید استظهار من این است که این مذهب از مذاهب اصحاب صحیح است نه بقیه مذاهب و فتاوی. این ظهور در شهرت ندارد.

بهرحال حالا بر فرض شهرت هم باشد مهم نیست. برای این‌که ما قرینه ذکر می‌کنیم بر عدم خروج وقت نماز عشاء با مضی ثلث شب.

**قول سوم (صاحب حدائق): وقت امتثال برای مختار تا ثلث شب، برای مضطر تا نیمه شب**

صاحب حدائق گفته که من قائل به این نیستم که وقت اداء تا یک سوم شب هست در نماز عشاء، نه، وقت اداء تا نیمه شب است اما وقت وجوب مبادرت برای مختار و غیر معذور این است که تا یک سوم شب نشده نماز عشاء را بخواند. گعده می‌کند، ‌شب‌نشینی می‌کند، می‌گوید حالا که وقت است، ‌ساعت ده و نیم نماز عشاءمان را می‌خوانیم، ‌این‌ها عذر عرفی نیست، خلاف شرع است این کار. این نظر صاحب حدائق. می‌گوید البته قضاء نمی‌شود، و لکن لو اخرها کان اداء.

**ادله قول اول (نیمه شب)**

ادله امتداد وقت عشاء تا نصف شب را اول بگوییم بعد ادله شیخ طوسی را بگوییم.

**دلیل اول: صحیحه زراره در تفسیر غسق اللیل**

یکی اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل بود که صحیحه زراره گفت و غسق اللیل انتصافه.

**اشکال: این صحیحه قابل حمل بر مضطر و یا وقت اجزاء است**

ما دیروز می‌گفتیم که این قابل حمل است بر فرض اضطرار. که این را گفتند برای این‌که مضطر را هم شامل بشود. چه در حال اضطرار چه در حال اختیار تا نیمه شب بیشتر وقت نداری اما اگر مختار باشی تا ثلث شب وقت داری. تقیید بزنیم این آیه را، بگوییم مختار تا یک سوم شب فرصت دارد. یا حالا به لحاظ وقت اداء یا مثل صاحب حدائق بگوییم به لحاظ وقت وجوب مبادرت، وجوب مبادرت در حق مختار تا یک سوم شب است اما آیه می‌گوید تا نیمه شب وقت اداء باقی است.

**پاسخ: محقق خوئی: حمل مطلق بر فرض اضطرار، عرفی نیست**

مرحوم آقای خوئی فرموده که نه، این خلاف صراحت آیه است این‌جور توجیه کردن. آیه دارد خطاب به پیغمبر می‌کند و مفادش این است که وظیفه اولیه را می‌گوید نه حالات ثانویه. اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل، چرا گفتید الی غسق اللیل؟ برای این‌که مضطرین را ما در نظر گرفتیم. این عرفی است؟‌ این عرفی نیست. و لذا کانّه این تفصیل بین وقت مختار و وقت مضطر که وقت مختار تا یک سوم شب است در نماز عشاء خلاف صراحت آیه است.

ما قبلا مشابه همین را می‌گفتیم. می‌گفتیم حمل مطلقات بر صورت اضطرار، عرفی نیست. ما قبلا این‌جور می‌گفتیم. مغرب در آیه ذکر نشده بود ولی دیگه آخرین نماز یومیه عشاء است، غسق اللیل قدرمتیقن این است که برای عشاء گفتند، کانّ گفته اقم صلاة العشاء الی غسق اللیل، بعد بیاییم بگوییم این را برای مضطرین گفتند، ما قبلا هم این اشکال آقای خوئی را داشتیم.

جواب: ما‌نحن‌فیه مانند اکل میته نیست

و لکن وجه این‌که رفع ید کردیم از این اشکال این است که اضطرار در اینجا از آن اضطرارهای جاهای دیگر نیست. خیلی‌ها در حال سفرند، خیلی‌ها در حضر حاجت عرفیه دارند، اضطرار اکل میته نیست. حاجت عرفیه دارند. جای مناسب گیر نمی‌آورد نماز عشائش را بخواند تا ثلث لیل می‌گذرد.

[سؤال: ... جواب:] چرا؟ بابا! در این ترافیک‌های تهران، ‌شما که خودتان اهل عرف هستید دیگه، ‌چقدر گیر می‌کنند؟ ... قدیم هم در راه رفتن به خانه است، حالا باز هم می‌گویید آنقدر طول نمی‌کشید، ‌هر چی ما می‌گوییم اشکال نکنید، این‌ها مثال است. بالاخره حاجت عرفیه زیاد بوده. سفر زیاد بوده، خب خدا کل حالات مکلفین را دیده.

مخصوصا اگر بگوییم وقت اداء را دارد می‌گوید نه وقت وجوب مبادرت. وقت اداء نماز عشاء برای مختار هم تا نیمه شب است به نظر ما، ‌کما این‌که صاحب حدائق گفت. شبهه این است که وقت وجوب مبادرت به نماز عشاء در غیر حاجت عرفیه، در موارد عدم عذر عرفی، بعضی از روایات می‌گوید تا یک سوم شب است. آیا اطلاق آیه را تقیید زدن به این‌ که و لکن اذا لم یکن حاجة عرفیة توجب التاخیر، حاجت عرفیه‌ای نداشته باشی که سبب تاخیر بشود تکلیفا لازم است قبل از یک سوم شب نماز عشاء‌ را بخوانی آیا این جمله در کنار آیه قرار بگیرد تنافی دارد با آیه؟‌ اباء دارد آیه از این جمع؟‌ این برای ما واضح نیست.

[سؤال: ... جواب:] بله ولی خیلی‌ها حاجت عرفیه دارند، ‌در سفرند، در جنگ هستند، ‌چقدر می‌جنگیدند آن زمان. حالا ترافیک تهران نبوده، ‌جنگ که بوده و گرفتاری‌های دیگه بوده که، حاجات عرفیه که بوده.

پس خلاف صراحت آیه نیست که ما بیاییم بگوییم تکلیفا شخصی که عذر عرفی ندارد تا یک سوم شب نشده نماز عشاء را بخواند. و لو ما قبلا این فرمایش آقای خوئی را در بعضی از جاها مطرح می‌کردیم، می‌خواهم بگویم فرق می‌کند. ما می‌گفتیم حمل خطاب مطلق بر مضطر، عرفی نیست اما این خطاب مطلق را حمل کنیم، ‌بگوییم که آقا! این را که گفتند اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل، برای این‌که مسافرها را هم در نظر گرفتند، حاجت عرفیه‌دارها را هم در نظر گرفتند، وقت اداء‌ را هم در نظر گرفتند گفتند اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل. منافات ندارد برای کسی که در حضر است، ‌حاجت عرفیه ندارد و لو وقت ادائش تا نیمه شب است اما وقت تکلیف به مبادرتش تا یک سوم شب باشد. این خلاف آیه است اما خلاف صراحت آیه نیست.

**دلیل دوم: صحیحه بکر بن محمد**

خب روایت دوم صحیحه بکر بن محمد را خواندیم: و آخر وقتها الی غسق اللیل یعنی نصف اللیل.

**اشکال: قابل حمل بر فرض اضطرار است**

حالا بر فرض این یعنی نصف اللیل در کلام امام باشد باز همان اشکال قبلی پیش می‌آید که این صحیحه بکر بن محمد مثل آیه است دیگه. و آخر وقت العشاء الی غسق اللیل یعنی نصف اللیل اما منافات ندارد که قابل تقیید باشد. کسی که حاجت عرفیه ندارد و در سفر نیست، سریع قبل از یک سوم نماز عشاء‌ را بخواند.

**دلیل سوم: روایت قاسم بن عروه**

روایت سوم روایت قاسم بن عروه است: اذا غربت الشمس دخل وقت الصلاةین الی نصف اللیل الا ان هذه قبل هذه.

**اشکال: قابل حمل بر فرض اصطرار است**

این هم همان اشکال را دارد که این اطلاق قابل تقیید است.

**دلیل چهارم: موثقه حلبی**

روایت چهارم موثقه حسن بن محمد بن سماعه که تا می‌رسد به حلبی: العتمة الی ثلث اللیل او الی نصف اللیل و ذلک التضییع.

آقای خوئی فرموده خب این دلیل بر این است که جایز است تاخیر تا نزدیک نیمه شب. چون فرمود العتمة الی ثلث اللیل او الی نصف اللیل.

**اشکال: این روایت مؤید قول صاحب حدائق است**

و این برای ما مفهوم نیست. اگر آقای خوئی می‌خواهند بفرمایند معلوم می‌شود وقت اداء نماز عشاء تا نیمه شب است، ‌بله، درست است. اما رد کلام صاحب حدائق نمی‌کند. اتفاقا مؤید کلام صاحب حدائق است چون می‌گوید و ذلک التضییع. اگر نماز عشاء را از یک سوم شب تاخیر بیندازی برود به سمت نیمه شب، قبل از نیمه شب بخوانی این تضییع است. خب تضییع که شد قرآن می‌گوید حافظوا علی الصلوات یعنی لاتضیعوا. و ذلک التضییع روایت می‌گوید. یعنی اگر بعد از یک سوم شب بخواهی بخوانی که می‌رود به سمت نیمه شب و ذلک التضییع. این دومی و ذلک التضییع.

[سؤال: ... جواب:] نه. و ذلک التضییع نه این‌که اگر نیمه شب نخواندی، رفت افتاد به بعد از نیمه شب تضییع است. نه این ظاهرش این است که این دومی را که می‌گوییم و لو وقت باقی است ولی این تضییع است. ... ظاهر این روایت این است که اگر از یک سوم شب تاخیر بیندازی برود بعد از یک سوم شب این تضییع است، خلاف حافظوا علی الصلوات است. این‌که ما بگوییم نه، ‌این شاید معنایش این باشد که اگر از نیمه شب به بعد بخواهی بخوانی این تضییع است این خلاف ظاهر است.

ببینید! حداقل این روایت دلیل بر قول مشهور نیست که می‌گویند جایز است تاخیر تا نیمه شب. چون و ذلک التضییع لااقل ما یصلح للقرینیة است که بخواهد بگوید نکن این کار را. درست است من می‌گویم تا نیمه شب وقت هست اما در حال اختیار این کار را نکن، این کار تضییع حساب می‌شود نسبت به حق نماز.

[سؤال: ... جواب:] دلیل بر قول مشهور لااقل نیست که استدلال کردند مثل آقای خوئی به عنوان دلیل قول مشهور. بلکه ما بعید نمی‌دانیم دلیل بر قول صاحب حدائق هم باشد این جمله و ذلک التضییع.

**دلیل پنجم: موثقه ابی‌بصیر**

روایت پنجم: موثقه سماعه از ابی بصیر: لولا انی اخاف ان اشق علی امتی لاخّرت العتمة الی ثلث اللیل و انت فی رخصة الی نصف اللیل و هو قطع اللیل. پیامبر فرمود اگر سخت نمی‌شد بر امت، من جور دیگه نماز عشاء را تشریع می‌کردم. نماز عشاء را اصلا می‌گذاشتم بعد از یک سوم شب. چرا؟ برای این‌که فاصله بین نمازها متناسب بشود، نماز صبح با نماز ظهر خیلی فاصله دارد، نماز ظهر با نماز عصر خیلی فاصله دارد، حالا بالاخره فاصله‌اش کم نیست، نماز عصر با نماز مغرب خیلی فاصله ندارد، نماز مغرب و عشاء خیلی فاصله ندارد، اگر من بودم مشقت بر امت نداشت می‌گفتم نماز عشاء‌ را از یک سوم شب بخوانید. حدودا حالا نه و نیم می‌شود الان. و انت فی رخصة.

البته این را بعدا بحث می‌کنیم این مصلحت تشریع است. یعنی اگر خوف مشقت بر امت نبود این‌جور تشریع می‌کردند. ولی حالا که خوف مشقت بر امت است جور دیگر تشریع کردیم گفتیم از اول غروب و وقت فضیلت هم اول سقوط شفق است. تشریع فعلی او است که اول غروب، ‌وقت عشاء و اول وقت فضیلت هم سقوط شفق است. ولی این حکم فعلی ناشی است از خوف مشقت بر امت. اگر خوف مشقت بر امت نبود ما جور دیگر تشریع می‌کردیم نماز عشاء‌ را. ترغیب نیست به این‌که الان نماز عشاءتان را در ثلث لیل بخوانید. می‌گوید لولا انی اخاف اشق علی امتی لاخرت یعنی اگر مشقت بر امت نبود به مردم می‌گفتم مردم! نماز عشاء‌ را بعد از گذشت یک سوم شب بخوانید اما هدیه دادم به امت، از این مصلحت رفع ید کردیم، ‌تشریع فعلی شد بر اساس غروب آفتاب و وقت فضیلت هم طبق روایات دیگر شد بر اساس سقوط شفق. خود پیغمبر هم هنگام سقوط شفق نماز عشاء می‌خواند. حکم فعلی بر اساس همین رعایت عدم وقوع مسلمین در مشقت تشریع شده، ‌هم حکم فعلی وجوب که از غروب شمس است هم حکم فعلی فضیلت که هنگام سقوط شفق است و در روایات دیگر ترغیب کردند، ‌خود پیغمبر هم هنگام سقوط شفق نماز عشاء می‌خواند ولی این حکم فعلی در آن لحاظ شده غبطه مسلمین. لولا انی اخاف ان اشق علی امتی لاخرت العتمة الی ثلث اللیل.

این یک مطلب.

بعد فرمود و انت فی رخصة الی نصف اللیل.

**این روایت قابل تقیید نیست**

انصافا این روایت دیگه قابل توجیه نیست. صاحب حدائق این روایت را چه کار می‌خواهد بکند، ‌و انت فی رخصة الی نصف اللیل. خب این نمی‌سازد با این‌که برای شخص مختار و غیر معذور واجب باشد مبادرت به نماز عشاء قبل از ثلث لیل. دارد صراحتا می‌گوید و انت فی رخصة الی نصف اللیل و هو غسق اللیل. وقتی این‌جوری می‌گوید قابل حمل نیست بر این‌که نخیر، گناه است اگر تا یک سوم شب نماز عشاء را نخوانی. این روایت می‌گوید و انت فی رخصة الی نصف اللیل. قابل حمل نیست. و این اقوی ظهورا هست. و لذا آن روایت و هو تضییع را حمل می‌کنیم بر فرض این‌که تضییع وقت فضیلت نماز عشاء است.

[سؤال: ... جواب:] آقا! می‌گوید و انت فی رخصة. خطاب می‌کند به ابی بصیر می‌گوید و انت فی رخصة. بعد بگوییم و انت فی رخصة یعنی در سفر؟ ... ما قضایای حقیقیه را گفتیم. قضایای حقیقیه را که می‌گوید که و وقت العشاء الی غسق اللیل. اما قضیه خارجیه که خطاب می‌کند به ابوبصیر و انت فی رخصة الی نصف اللیل و هو غسق اللیل، انصافا این جمع، عرفی نیست. به عرف این دو تا خطاب را بدهی، ‌قطعا حمل می‌کند و هو تضییع را بر تضییع فضیلت نماز عشاء.

**بر فرض تعارض،‌مرجع، اطلاقات و سپس اصل برائت است**

اگر هم قبول نکنید این را، تحیر برای عرف حاصل بشود که بیفتد به چه کنم چه کنم، خب کافی است ما رجوع می‌کنیم به اطلاقات. می‌گوییم وقت نماز عشاء تا نصف شب است طبق اطلاقات مثل روایت قاسم بن عروه و صحیحه زراره. و اصل برائت هم که موافق ما است.

**ادله قول دوم (ثلث شب)**

اما حالا روایاتی که می‌گوید آخر وقت عشاء ثلث لیل است آن‌ها را هم بررسی کنیم.

**دلیل اول: صحیحه معاویة بن عمار**

یکی صحیحه معاویة‌ بن عمار است: ان وقت العشاء الی ثلث اللیل.

**اشکال: قابل حمل بر وقت فضیلت و الا بعد از تعارض مرجع اصل برائت است**

خب این طرف معارضه است. او می‌گوید و انت فی رخصة الی نصف اللیل این می‌گوید ان وقت العشاء الی ثلث اللیل. یا جمع می‌شود [و حمل می‌شود] وقت العشاء الی ثلث اللیل بر وقت فضیلت کما هو الصحیح یا تعارض کنند رجوع می‌کنیم به اصل برائت.

[سؤال: ... جواب:] این که لغو می‌شود حکم فعلی را رها کنند بروند حکم لولایی را بیان کنند، حکم لولا مشقت. مثل این‌که بگویند مسواک زدن واجب است. می‌گویند چرا این‌جور گفتی؟ می‌گوید لولا ان اشق علی امتی لکان یجب السواک.

[سؤال: ... جواب:] فضیلت است دیگه. ... بابا! آن‌که پیغمبر خودش فرمود لولا اخاف ان اشق علی امتی لاخرت العتمة الی ثلث اللیل. می‌خواهد بیان کند من چقدر دلم به حال شما می‌سوزد، چقدر بالمؤمنین رئوف رحیم هستم تا یک کمی این مسلمان‌ها به فکر اهل بیت پیامبر باشند، اینقدر ظلم نکنند. بد است؟ می‌گوید من بخاطر شما این کارها را کردم شما هم یک مقدار مراعات کنید. قل لااسئلکم علیه اجرا الا المودة‌ فی القربی. نمی‌خواهد که حکم شرعی فعلی بگوید. اتفاقا خودش پیامبر گفته لولا اخاف ان اشق علی امتی لاخرت العتمة الی نصف اللیل.

**دلیل دوم: معاویة بن وهب**

موثقه معاویة‌ بن وهب: اینجا دارد که:‌ پیامبر دو روز مواجه شد با جبرئیل. روز اول به پیامبر گفت که حین سقوط الشفق نماز عشاء بخوان، ‌فردا ثلث اللیل که رسید به پیامبر گفت که نماز عشاء بخوان بعد گفت و ما بینهما وقت. از سقوط شفق تا ثلث اللیل وقت است برای نماز عشاء.

**اشکال اول: قابل حمل بر وقت فضیلت و الا بعد از تعارض مرجع اصل برائت است**

خب ما می‌گوییم مقتضای جمع عرفی بین این روایت و انت فی رخصة الی غسق اللیل این است که حمل بر فضیلت بکنیم. تا ثلث اللیل وقت فضیلت عشاء باقی است. و اگر هم تعارض کنند خب اصل برائت.

**اشکال دوم (محقق خوئی): روایت نص در جواز اتیان بعد از ثلث شب است**

آقای خوئی فرموده که این روایت که اصلا خلاف نظر شیخ طوسی و صاحب حدائق است. چون پیغمبر در این روایت نماز عشاء‌ را بعد از ذهاب ثلث اللیل خواند. حین ذهب ثلث اللیل فامره فصلی العشاء. خب قطعا دیگه بعد از ذهاب ثلث اللیل دیگه نظر شیخ طوسی تامین نمی‌شود. شیخ طوسی می‌گفت قبل از این‌که یک سوم شب بگذرد نماز عشائت تمام بشود. صاحب حدائق هم همین را می‌گفت.

**پاسخ: مقصود،‌ به قرینه سایر روایات، نزدیکی ثلث لیل است**

انصافا و لو به قرینه روایات دیگه ظاهرش این است که قُبیل ثلث لیل. به قرینه روایات دیگه که می‌گفت که وقت العشاء الی ثلث اللیل وقت فضیلت که لااقل که هست. خب جبرئیل وقت فضیلت پیغمبر را از دست بدهد بعد از وقت فضیلت بگوید نماز عشاء بخوان؟! این ظاهرش این است که همان قُبیل خروج ثلث لیل جبرئیل نازل شد، چهار دقیقه، ‌پنج دقیقه مانده به ثلث لیل تمام بشود نزل جبرئیل فامره فصلی العشاء.

**محقق خوئی: قرینه حمل بر وقت فضیلت تعبیر "و هو تضییع" است**

یک نکته هم آقای خوئی می‌گوید این را هم عرض کنم.

آقای خوئی می‌گوید قرینه بر این‌که این را روایات را ما حمل بر وقت فضیلت می‌کنیم همان "و هو تضییع" آن روایت است. و هو تضییع معلوم می‌شود مرجوح است و الا جایز است تاخیر نماز عشاء تا نیمه شب. و هو تضییع. یعنی بالاغیرتا از این کارها نکن.

**اشکال: شاید "و هو تضییع" دلالت بر وقت امتثال می‌کند**

ما نفهمیدیم و هو تضییع کجایش دلالت می‌کند بر جواز؟ هو تضییع کجایش دارد این کار جایز است؟

[سؤال: ... جواب:] نه. و هو تضییع چرا معنایش این نباشد که یعنی در حال اختیار نباید این کار را بکنی، خلاف تکلیف است، خلاف حافظوا علی الصلوات است.

حالا مهم نیست. ما و انت فی رخصة که داریم و فیه غنی و کفایة.

**دلیل سوم: روایت فقه الرضا**

خب روایت فقه الرضا را هم بگویم تمام کنیم.

روایت فقه الرضا دارد که وقت العشاء الی ربع اللیل و قد رخص للعلیل و المسافر، علیل، آن‌که می‌گوید من علیلم، من فقیرم نیست ها! این علیل مَن به علةٌ، کسی که یک مشکلی دارد، و قد رخص للعلیل و المسافر فیهما الی انتصاف اللیل و للمضطر الی طلوع الفجر. خب این اصلا یک چیز دیگر می‌گوید. ربع لیل را گفته. این هیچکس از فقهاء به آن فتوی نداده. ربع لیل را کسی مطرح نکرده.

**اشکال: سند ندارد**

خب حالا فقه الرضا هم که دیگه فیه ما فیه است ولش کنید.

از این بحث بگذریم.

**نماز صبح**

بحث بعد راجع به این است که صاحب عروه می‌گوید ما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس وقت الصبح.

**اول وقت**

آقا! اینجا دو بحث مهم است. بحث مهم اول را می‌گذاریم بعدا طبق روال صاحب عروه. و آن بحث مهم اول این است که واضح است که مبدأ نماز صبح طلوع فجر است، ‌طلوع فجر صادق، در مقابل طلوع فجر کاذب. که یک سپیدی به شکل مثلث دیده می‌شود و از بین می‌رود. بعد از مدتی فجر صادق شروع می‌شود.

**زمان طلوع فجر (طرح بحث)**

اما فجر صادق چیه؟

سه حالت در افق پیش می‌آید. متخصصین گزارش دادند و فیلمش هم هست، فیلمش را هم ما دیدیم، ‌حدودا هشت دقیقه بین این سه حالت فاصله است. هشت دقیقه. اول یک نقطه سفیدی است. بعد یک خط باریک سفیدی، ‌خط باریک افقی. این خط باریک افقی یواش یواش پهن می‌شود، بالا می‌آید، هشت دقیقه که می‌گذرد از این حالت دیگه این خط پهن دیده می‌شود. اول یک نقطه سفید که دیده می‌شود، حداقل با چشم دقیقه. این نقطه یواش یواش می‌شود خط باریک افقی مثل یک نخ روی افق. بعد این نخ یواش یواش عریض می‌شود، می‌شود مثل یک رودخانه می‌شود، مثل یک جوی آب می‌شود، ‌عریض می‌شود. مثلا بعضی از اوقات سال حساب کرده بودند هشت دقیقه فاصله است بین این و بین آن حالت سوم که خط عریض تشکیل می‌شود. بین نقطه و خط باریک یک دقیقه فاصله است. بین آن خط باریک و خط عریض هفت دقیقه فاصله است. که مجموعا می‌شود هشت دقیقه.

طلوع فجر کدام است؟ این اذان‌ها هم فرق می‌کند. بعضی از اذان‌هایی که می‌زنی شما، همین الان اختلاف دارد با این اذان‌هایی که با بعضی از این محاسبات هست حدودا هشت دقیقه فرق می‌کند. این راجع به طلوع فجر. فصل‌ها هم فرق می‌کند.

راجع به انتهاء وقت صبح هم برای مختار آیا طلوع شمس است یا روشنایی هوا؟ اینجا هم صاحب حدائق گفته اگر قبل از روشنی هوا، ‌خیلی زودتر از طلوع شمس، نماز صبح را نخوانی، مشغول الذمة هستی.

تامل کنید تا فردا.